

رییس جمهور غنی در نامه‌یی به رهبران پاکستان:

از حمایت طالبان دست بردارید



صفحه ۶

Reuters

بامیان نخستین پایتخت

فرهنگی سارک اعلام می‌شود



مسولان محلی ولایت بامیان می‌گویند که تمامی آماده‌گی‌های لازم برای برگزاری بزرگترین جشنواره سارک در این ولایت گرفته شده است. این مسولان می‌گویند که قرار است بامیان تا شش روز دیگر به عنوان اولین پایتخت فرهنگی کشورهای عضو اتحادیه همکاری‌های جنوب آسیا معرفی شود. محمد آصف مبلغ سرپرست اداره محلی ولایت بامیان دیروز در یک کنفرانس مطبوعاتی از گرفتن آماده‌گی‌های ویژه امنیتی خبر داده گفت که جشنواره سارک به تاریخ ۱۵ جوزا، با حضور ده‌ها مهمان خارجی برگزار می‌شود. سرپرست اداره محلی ولایت بامیان در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: «اداره محلی بامیان آماده...»

ادامه صفحه ۶

مسکو، دهلی و پکن برای ثبات افغانستان راه و چاره می‌جویند



هستند.

غفور لیوال رییس مرکز... ادامه صفحه ۶

گفت‌وگوها درباره افغانستان همچنان تعهد کرده اند که از بازسازی اقتصاد افغانستان نیز حمایت خواهند کرد. ایکانومیک تایمز از اشتراک کننده‌های این نشست نام نبرده و موقف آنها را نیز ذکر نکرده است اما گزارش می‌دهد که دهلی جدید، پکن و مسکو متعهد شده‌اند که در تقویت اقتصاد افغانستان نیز نقش مهم بازی کنند.

برخی تحلیلگران می‌گویند که مسکو و چین نگرانی گسترش نفوذ گروه‌های تندرو در مرزهای شان

مقام‌های ارشد کشورهای چین، روسیه و هند در تازه‌ترین دیدار خود گفته‌اند که وضعیت افغانستان تأثیر مستقیم بالایی امنیت و ثبات منطقه دارد و به همین دلیل، هر سه کشور از تلاش‌ها برای برقراری ثبات در افغانستان پشتیبانی می‌کنند.

نشریه هندی ایکانومیک تایمز به نقل از هواچون بینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین گزارش داده که مقام‌های هند، چین و روسیه در دهلی جدید با هم دیدار کرده‌اند.

نماینده‌های سه کشور پس از برگزاری دور دوم

مجلس بر ارایه طرحی جدید در مبارزه با طالبان تأکید کرد



نماینده‌گان مجلس می‌گویند دامنه ناامنی‌ها گسترش یافته و ایستاده‌گی در برابر حملات تهاجمی طالبان نیاز به حمایت‌های مردمی دارد. برخی از نماینده‌گان بر تدوین یک طرح امنیتی جدید تأکید کردند. نگرانی اصلی این است که در بیشتر ولسوالی‌ها پولیس و اردو تنها در مرکز ولسوالی‌ها یا در قرارگاه‌های نظامی حضور دارند در حالی که طالبان به صورت آزادانه در روستاها فعالیت می‌کنند، از جوانان سرباز می‌گیرند و دست به آزار و اذیت مردم می‌زنند. روستاها مکان امن طالبان شماری از نماینده‌گان تأکید کردند که یک طرح امنیتی برای مبارزه با شورشیان در روستاها نیاز است تا طالبان نتوانند با استفاده از خلاقیت نیروهای امنیتی، مراکز تروریستی ایجاد نمایند. آن‌ها تأکید کردند که با این طرح، نخستین هسته‌های شکل‌گیری طالبان در

ادامه صفحه ۶

وزیر زراعت برنامه صدور هاش را اعلام کرد



وزارت زراعت و مالداري سومین وزارتتی بود که برنامه صدور نخست کاری اش را ارایه کرد. اسدالله ضمیر، وزیر زراعت و مالداري دیروز در یک کنفرانس خبری هدف از طرح برنامه صدور هاش را ایجاد تحرک در دستگاه وزارت، راه اندازی فعالیت‌های متوقف شده، تداوم فعالیت‌های جاری به گونه موثر و طرح برنامه و پالیسی‌ها در... ادامه صفحه ۶

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



بی‌اراده‌گی دولت در برگزاری انتخابات



پایان بازی



می‌توان شرایط را برای خلق «جهانی نو» آماده کرد



دیدگاه نخبه‌گان

ادامه صفحه ۶

احمد عمران

بی‌اراده‌گی دولت در برگزاری انتخابات



دست گذاشته و هرازگاهی مسوولان رده‌بالای آن در رسانه‌ها با گردن‌های افراشته از تقلب‌ها و جعل‌کاری‌های خود دفاع می‌کنند.

جست‌وجو برای تأمین هزینه‌های انتخابات: دولت افغانستان وظیفه دارد که برای برگزاری انتخابات هزینه‌های لازم را فراهم کند. جامعه جهانی در موجودیت یک روند غیرشفاف و مملو از تقلب، حاضر به تأمین هزینه‌های انتخابات نیست. جامعه جهانی به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کننده هزینه‌های انتخابات زمانی حاضر می‌شود که به روند برگزاری انتخابات اعتماد کند که نسبت به برگزاری یک انتخابات قانون‌مند در افغانستان مطمئن شود. این بی‌انصافی محض است که دیگران پول‌های مایه‌دهنده‌گان خود را در روندی به مصرف برسانند که نتیجه آن، طوق لعنتی در گردن خودشان شود. معلوم نیست که دولت‌مردان کشور چه‌گونه تصور کرده‌اند که جامعه جهانی با تجربه شرم‌آور انتخابات سال گذشته بازم هزینه‌های سنگین آن را به عهده می‌گیرد.

بسیج افکار عمومی برای برگزاری انتخابات: از دیگر وظایف دولت افغانستان این است که اعتماد ناپود شده مردم به انتخابات را نیز دوباره اعاده کند. برای تحقق این هدف، به بسیج افکار عمومی و حمایت دوباره انتخابات در میان مردم نیاز است. شهروندان کشور به هیچ صورت حاضر نیستند که در موجودیت نهادهای فاسد انتخاباتی و در فقدان مکانیزم شفاف برگزاری انتخابات، بازم خطر کنند و به پای صندوق‌های رای بروند. مگر در انتخابات گذشته ریاست جمهوری خون‌ها ریخته نشد و انگشت‌ها قطع نشدند. نتیجه این همه فداکاری برای شهروندان کشور چه بوده است؟ آیا آرزوی مردم به وجود آمدن دولتی بود که پس از ۹ ماه هنوز هم نمی‌داند چه می‌کند و از مشکلات و اختلافات میان‌تیمی خود بیرون نشده است؟

معرفی خواهد شد. با آن‌که از جانان سپین‌غر به عنوان نامزد این سمت نام برده شد، ولی با گذشت بیشتر از دو ماه کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی نه‌تنها رییس ندارد که هیچ نشستی را هم برگزار نکرده است. چنین برخورد غیرمسئولانه با مهم‌ترین مسأله کشوری که انتخابات می‌تواند باشد، هیچ تعبیر دیگری نخواهد داشت مگر این‌که نتیجه بگیریم که ریاست جمهوری کشور نمی‌خواهد که انتخابات پارلمانی دست‌کم به این زودی‌ها برگزار شود.

تدابیر کمیسیون انتخابات افغانستان: کمیسیون انتخابات افغانستان با آن‌که همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و هیچ تغییری در مدیریت و اعضای آن به وجود نیامده، اما این نهاد وظایف مربوط به خود در رابطه با برگزاری انتخابات را روی دست نگرفته است. دلیل عدم کم‌کاری کمیسیون انتخابات، نه‌تنها توجیه پذیر نیست که سوال‌برانگیز هم است. چه کسی به این کمیسیون گفته که به وظایف خود رسیده گی نکند و به بهانه این‌که کمیسیون هزینه لازم را در اختیار ندارد، از آغاز آماده‌گی‌ها برای برگزاری انتخابات صرف‌نظر کند؟ وقتی گفت‌وگوهای مسوولان ارشد کمیسیون انتخابات را بشنوید، چنان سخن می‌گویند مثل این‌که سواى خودشان، دیگران همه در امر انتخابات مقصر اند. سریر احمد برمک یکی از اعضای ارشد کمیسیون انتخابات افغانستان، در یکی از تلویزیون‌های خصوصی تأکید می‌کرد که بیرونی‌ها بودند که بحران انتخابات را رقم زدند و این کمیسیون را بدنام ساختند. آقای برمک فراموش کرده است که مدیریت انتخابات را تنها و تنها کمیسیون انتخابات به عهده داشته و هیچ نهاد موازی با این کمیسیون در افغانستان وجود ندارد. کمیسیون انتخابات باید تا به حال ضمن اعلام تقویم انتخاباتی، طرح خود در مورد برگزاری انتخابات را در اختیار مردم قرار می‌داد. اما این کمیسیون دست روی

به پایان قانونی دوره شانزدهم مجلس نمایندگان، بیشتر از یک ماه دیگر باقی نمانده و در این میان، دولت افغانستان و نهادهای برگزارکننده انتخابات، هیچ برنامه و طرحی را ارایه نکرده‌اند. دولت چنان از این موضوع به‌ساده‌گی عبور کرده است که گویا انتخابات پارلمانی هیچ اهمیتی ندارد و برگزاری و عدم برگزاری آن، چیزی را تغییر نمی‌دهد. حتا شاید دولت‌مردان کشور فکر کنند که با عدم برگزاری انتخابات افغانستان مجبور نمی‌شود که هشتاد میلیون دالر را به هدر دهد.

زمانی که انتخابات گذشته ریاست جمهوری را به یاد می‌آوریم، این‌گونه سنجش‌گری کاملاً معقول و منطقی می‌نماید؛ چون برگزاری انتخابات سراسر تقلب و مکر و حيله نه‌تنها گرهی از کار فروبسته کشور نمی‌گشاید، که مشکلات آن را بیشتر هم خواهد کرد. مگر تجربه انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، نشان نداد که انتخابات می‌تواند به غده‌یی سرطانی برای افغانستان مبدل شود که به جای آوردن صلح و ثبات، کشور را به سوی جنگ و نابودی سوق دهد؟ دولت افغانستان موظف بود که در ۹ ماه گذشته، حداقل چند مورد مهم را انجام می‌داد که حداقل تمهیدات برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه به‌وجود می‌آمد

تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی: رییس جمهور غنی در آستانه سفر به امریکا طی یک فرمان، تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را به شمول رییس، معاون و اعضای آن اعلام کرد. این موضوع بعداً به اختلاف‌های تازه میان ریاست جمهوری و ریاست اجرایی دامن زد و داکتر عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی گفت که رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی بدون مشوره با او انتخاب شده است. پس از جنجال‌های زیاد، آقای غنی در مورد انتخاب خود تجدید نظر کرد و اعلام شد که به‌زودی فرد دیگری به عنوان رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی

سخن‌ماندگار گزینه سوم

در این اواخر، دروازه‌های زیادی به‌هدف وارد شدن طالبان به میز گفت‌وگوها باز شده است. کشورهای ترکیه، چین، امارات، قطر، ایران و به‌تازگی ترکمنستان هر کدام به‌نحوی دروازه‌هایشان را به روی طالبان باز کرده‌اند تا شاهد گفت‌وگوهایی در باب صلح افغانستان باشند. هرچند جمهوری اسلامی ایران به‌گونه رسمی دروازه‌هایش را به روی طالبان باز نکرده است، اما گزارش‌هایی از سایت‌های خبری ایران می‌رساند که شماری از طالبان به این کشور فرا خوانده شده و در باب مسایلی با مقام‌های ایرانی گفت‌وگو کرده‌اند.

البته سال‌هاست که طالبان در قطر برای خود دم‌دستگاهی دارند و سعی می‌کنند که از آن‌جا استفاده‌های زیادی ببرند. اما رییس‌جمهوری از سفر به قطر خودداری کرد و ظاهراً تلاش دارد تا بحث صلح را فقط از نقطه پاکستان پیگیری کند. تلاش‌ها برای بستن پیمان با پاکستان، در اولویت کاری رییس دولت وحدت ملی است تا از این طریق بتواند با پاکستان وارد یک مرحله جدید شوند و این مرحله جدید صفحه افغانستان را عوض کند.

وقتی که رییس‌جمهوری به نماینده‌گان مجلس می‌گوید که چاره‌یی جز ایجاد ارتباط و اعتماد میان آی‌اس‌آی و دستگاه امنیت ملی افغانستان نیست و باید این کار صورت گیرد، خود می‌رساند که بحث دست یافتن به صلح در افغانستان منوط به راضی نگه داشتن پاکستان است و این‌که افغانستان در ازای صلح باید دست‌ببین پاکستان باشد.

این در حالی است که کشورهای زیادی علاقه‌مند فراهم کردن زمینه برای گفت‌وگوهای صلح به افغانستان اند، اما ریاست جمهوری هیچ گامی در این راستا برنداشته و از این فرصت‌ها استفاده نکرده است. البته واضح است تا زمانی که پاکستان نخواهد، هیچ کشوری با هیچ ابتکاری نمی‌تواند در افغانستان صلح برقرار کند. ولی این به معنای آن نیست که نماینده‌گان مردم در برابر تفاهم‌نامه استخباراتی با پاکستان کوتاه بیایند و افغانستان از این طریق دو دسته تسلیم آن کشور شود.

البته این هم سزا نیست که ما به‌جای گفت‌وگو با پاکستان، صدای دشمنی با این کشور را بلند کنیم و از در دشمنی با آن سخن بگوییم؛ زیرا پاکستان حق دارد تمامیت ارضی‌اش را از جانب افغانستان حفظ شده ببیند و این امر میان پاکستان و افغانستان اعتماد به‌وجود می‌آورد. البته این را هم می‌دانیم که سیاست‌های پاکستان و استیلاجویی او در منطقه، فقط با اعتراف به رسمیت خط دیورند از طرف دولت افغانستان توقف نمی‌یابد.

به هر صورت، ارگ نباید دو گزینه تسلیم شدن به پاکستان یا جنگ با پاکستان را برای انتخاب روی میز بگذارد، بلکه راه منطقی‌تر این است که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل و دوست پاکستان و در عین حال هندوستان در منطقه شناخته شود و برای دست یافتن به این امر، باید پالیسی‌یی را تدوین کند.

ما باید با جانب پاکستانی‌ها به عنوان دوستان قابل اعتمادشان صحبت کنیم و در عین حال، از همه کشورهای نزدیک به پاکستان و متحد پاکستان در منطقه بخواهیم که این کشور را وادار کنند که در مورد افغانستان تغییر موضع و اندیشه دهد. این البته ممکن نیست تا زمانی که ما در بازی‌های بین‌المللی از ابزارهای لازم برای دست یافتن به این هدف استفاده نکنیم. امروز پاکستان تلاش دارد که چین و یا هر کشور دیگر مثل ترکیه، قطر و امارات را به نفع خویش در قضیه افغانستان تحریک کند، افغانستان نیز این توانایی را دارد که کشورهای منطقه را ترغیب کند که فشارهایشان را بر پاکستان شدت بخشند و از شورای امنیت سازمان ملل بخواهد که پاکستان را مورد فشار قرار دهد تا از حمایت طالبان دست بردارد، داعش نفرستد و در امر ثبات افغانستان همکاری صادقانه کند؛ کاری که رییس‌جمهور افغانستان تا حال از آن دوری جسته‌اند.

به هر صورت، اکنون که دروازه‌های زیادی برای گفت‌وگوهای صلح افغانستان باز شده است، باید بیشترین جسارت سیاسی را به خرج دهیم و از همه این فرصت‌ها به نفع کشور و فشار آوردن بر پاکستان استفاده کنیم.

دیدگاه نخبه‌گان

در کنفرانس آجندای ملی



بخش سوم

یادداشت: «افغانستان به کدام مسیر روان است»، عنوان نشست جمع بزرگی از نخبه‌گان کشور پیرامون وضعیت نگران‌کننده جاری بود که روز دوشنبه (۴ جوزا) از طرف کنفرانس آجندای ملی در کابل برگزار گردید.

در این نشست، نخبه‌گان سیاسی و تحلیل‌گران، ۹ ماهه‌گی دولت وحدت ملی را به نقد و بررسی گرفتند و نگرانی‌های خود را از ناحیه بازی کلان و پروژه بزرگ، موج افراط‌گرایی، پدیده نوظهور داعش، نقش ای‌اس‌ای و موقعیت نامعلوم افغانستان ابراز داشتند. نقش برجسته نخبه‌گان کشور در معادلات جاری نیز مورد گفت‌وگو قرار گرفت.

اشتراک‌کننده‌گان این کنفرانس ضمن تأکید بر تقویت نظام اما تغییرات در نحوه حکومت‌داری، تطبیق مو به موی تفاهم‌نامه اما دعوت لویه جرگه اضطراری در مدت شش‌ماه، به ضرورت تهیه یک استراتژی مدون ملی در چارچوب آجندای ملی، سرتاسری ساختن کنفرانس‌های دایم‌الفعال آجندای ملی، تشخیص مشکلات و یافتن راه حل‌ها و سایر

مسائل ملی پرداختند.

اینک دیدگاه‌های مطرح شده توسط نخبه‌گان این کنفرانس را می‌خوانید:

استاد شاداب - استاد دانشگاه:

افغانستان بحران‌های زیادی را در مدت چند دهه سپری کرده؛ بحران‌هایی بودند که مردم با وصف همه ناهنجاری‌ها، در برابر یک ارزش بزرگ آن را متحمل شدند: ارزش آزادی و تمامیت ارضی که این بحران‌ها را در قالب جهاد و مقاومت پذیرفتند و به مقتضای قاعده حقوقی اسلامی که «اخذ فی ضرر» را که باید تحمل کنیم، ملت مردانه تحمل کرد (که این) دو دست‌آورد بسیار بزرگی را در قبال داشت. بعد از تحول جدید در افغانستان نکاتی پیش آمد و مسایلی مطرح شد و بحران‌های ایجاد گردید که مردم خواسته و یا نخواستند در برابر آن قدامت نکرند. اما، بعد از این حوصله مردم سر رسید، و تحمل چنین بحران‌هایی را ندارند که با فلان سیاست چه قدم‌هایی بردارند.

نکته دیگری که می‌خواهم تذکر دهم این است که آیا همین اهلیت در میان ما نخبه‌گان وجود دارد تا بتوانیم یک نقشه راه را صادقانه تعقیب کنیم و یا بر عکس به همان تعبیر مصرعی که: «هر کس برای مقصد خود دلبری کند» اگر این مورد تا هنوز هم در میان نخبه‌گان افغانستان طوری که مشهود است، وجود داشته باشد، اصلاً ما نمی‌توانیم یک نقشه راه را برای نجات ملت سراغ داشته باشیم. هنوز هم در جامعه ما شماری به نام جنگ‌سالار و شماری هم به‌نام‌های دیگر یاد می‌شوند که به گفته شهید استاد برهان الدین ربانی، بعد از این جنگ پکول و نکتایی است. ما باید از تنگ نظری‌ها دور باشیم.

در هر تاریخ نیروهایی که در آزادی ملت‌ها سهم داشته و دارند با وصف نواقصی که داشته اند، هیچ وقت اهانت نمی‌شوند. ما نیروهای خردی که در داخل داریم باید آن‌ها را دست کم نگیریم، کاستی و نقص‌هایشان را برای شان نشان دهیم، ولی نیروی اصلی که در متن جامعه حضور دارد، نخبه‌گان ما هم در پیوند با همین نیروها می‌توانند نقشه راه را ترسیم کنند و نقشه راه ما نباید به گونه باشد که در تقابل با ملت قرار گیرد.

امروزه در افغانستان بحران اعتماد هم وجود دارد و این که چگونه این بحران را باید مهار سازیم، از خود شیوه خاصی دارد که دولت‌های ما متأسفانه تا هنوز از مهار بحران عاجز بوده اند که آسیب شناسی و عوامل زیادی را در خود دارد و باید در بحث‌های جداگانه روی آن پرداخته شود.

در اخیر، مسیری را که دولت وحدت ملی تا هنوز پیموده و تعقیب می‌کند به ترکستان منتهی می‌شود.

قاضی مظفری:

در مورد موضوع اول باید بگویم که دست‌آوردهای دولت وحدت ملی بسیار ناچیز است و رهبران دولت نتوانسته اند در مدت ۹ ماه اعضای ستره محکمه، دادستانی کل و بعضی وزارت خانه‌ها را صاحب وزیر بسازند.

از طرف دیگر، یک جانب حکومت می‌خواهد جانب دیگر را تخریب کند، یک طرف حکومت خود کامگی می‌کند، در حالی که قرارداد تساوی هر دو رهبر را در بر می‌گیرد، این خودکامگی‌ها در آینده مشکلات زیادی را برای مردم خلق و افغانستان را با مشکلات زیادی مواجه خواهد ساخت.

موضوع دیگری که این روزها بحث می‌شود امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های استخباراتی میان افغانستان و پاکستان است. در تاریخ می‌خوانیم که بعضی کشورها حصه‌یی از خاک خود را فروخته اند. مثلی که الاسکا را یکی از پادشاهان روسیه به امریکا فروخت یا حکومت ما در سال‌های گذشته، بسیار سهل انگاری کرد و پاکستان در ساحات زیادی به عمق افغانستان پیش‌آمد که خود یک نوع وطن فروشی است. اما می‌بینیم که هیچ‌گونه عکس العملی نشان داده نمی‌شود. با توجه به همه خیانت‌هایی که پاکستان در حق مردم افغانستان کرده، در دوران جاهد مجاهدین را تقسیم کرد و بسیاری از

جنرالان پاکستانی از کوه‌های کابل، کابل را ویران کردند. دولت افغانستان نباید بالای دشمن تاریخی و قسم خورده اعتماد کند و در خانه خود استخبارات آن را جا دهد. این یک خیانت ملی است و ملت افغانستان آن را قبول ندارند. حکومت موجود ناکام است و امید است که ملت به گفته سید جمال الدین، ملت بیدار ملتی است که در مقابل خیانت‌های دولت ایستاد می‌شوند؛ نگذارند تا افغانستان جزء خاک یک کشور دیگر شود و یا کشور دیگری قیمومیت ما را به دست داشته باشد.

محمد ناطقی - آگاه سیاسی:

با تشکر از جناب احمد ولی مسعود و همکاران شان در کنفرانس آجندای ملی برای برگزاری این کنفرانس. موضوعات بسیاری خوبی را مطرح کردید که در ارتباط به مسأله اول، خدمت دوستان عرض کنم، دولت وحدت ملی به عنوان یک دست‌آورد ریشه‌های بومی ملی داشته است. چنانی که آقای احمد ولی اشاره کردند، در طی چندین سال روی آجندای ملی کار کرده اند که من آگاهم، این مسایل تأثیر داشت و بعد نخبه‌گان سیاست و رهبران جناح‌ها و تیم‌های سیاسی در انتخابات؛ زمانی که بحث در میان دو تیم انتخاباتی متمرکز شد، موفق شدند که روی یک برنامه و بسته مشترک توافق کنند.

برای متحدین بین‌المللی ما هم حق بدهید به‌خاطری که آن‌ها نیز منافع زیادی را در افغانستان برای خود تعریف کرده و روی این مسأله تأکید کردند که دو تا تیم انتخاباتی اگر از هم‌دگر جدا شوند بحران به میان می‌آید و همه نخبه‌گان سیاسی در درون کشور هم به این جمع‌بندی رسیده بودند که باید هر دو تیم سیاسی، این دو تیم در واقع سقفی بود که همه در آن جمع شده بودند، یک‌جا شوند؛ در حال حاضر، همه گروه‌ها و طیف‌های سیاسی ما زیر یک سقف گرد آمده و حکومت وحدت ملی را تشکیل داده اند که به نظر من یک دست‌آورد است.

موضوع دیگری که مطرح است این که، حکومت وحدت ملی در جریان ۹ ماه چه کرده است؟

طبیعتاً دست‌آوردها در دو ساحة داخلی و بیرونی مطرح است: در سیاست خارجی همان‌گونه که دوستانی اشاره کردند، ما دست‌آوردهای بسیار خوبی داشتیم؛ تنش‌ها از میان رفتند و پل‌های خراب شده دوباره ترمیم شد، در حال حاضر متحدین جهانی ما در بُعد امنیتی به همان تعهداتی که در بروکسل و شیکاگو داشتند، در سال چهار میلیارد و یک صد میلیون دالر باید در اختیار نیروهای امنیتی افغانستان بگذارند، عمل می‌کنند. شاهد هستیم که مناسبات افغانستان و پاکستان نیز حالت گذشته را ندارد و اگر بگویم در بُعد سیاست خارجی کار نشده، این بی‌انصافی است. مشکلات ما بیشتر در دو عرصه شناسایی شده، یکی در

عرصه مدیریت که حکومت وحدت ملی که در ایجاد مدیریت ناتوان بوده، رئیس جمهور در روزهای نخست اعلام کرد که در چهل روز کابینه دولت را تکمیل می‌کنیم؛ اما کابینه پنج ماه طول کشید و تازه وزیر دفاع نیز به این پست نامزد شده اند، به همین ترتیب مشکل ولایات نیز است که در این بخش نمرات خوبی نداریم.

نکته دومی که بازم باید به عنوان مشکل مطرح شود و آن را قبول کنیم این که، رهبران دولت در مسایل کلان و زیر بنایی کشور باید یک دست باشند که این انتظار را همه مردم دارند تا در مسایل مانند صلح و امنیت و همین امضای تفاهم‌نامه با پاکستانی باید یک پارچه عمل کنند، چنین نیست و آرزو داریم که این مسأله عملی شود و رهبران حکومت وحدت ملی این خواسته برحق مردم افغانستان را برآورده سازند.

بحث چالش‌ها که مطرح شده است، معلوم است که این چالش در برابر حکومت طالبانی است که می‌جنگند و گروه دیگری که به‌نام داعش پیدا شده است. اگر ما واقعاً موارد بالایی را درست طی کنیم و یک‌دست و یک‌پارچه باشیم؛ نیروهای امنیتی خوبی داریم که برای شان این چالش‌ها چیزی نیست و ما می‌توانیم به راحتی از این‌ها بگذریم.

عتیق الله امرخیل - پوخی کارپوه:

زه یو نظامی یم نه فلسفه او نه هم هغه شی وایم چی هغه امکانات نلری. هغه خبری وایم چه امکانات یی لرو او څه باید وکړو، دری خبری دی حکومت کی مهمی دی چی صلح، امنیت او د افغانستان روغونه او جوړونه ده.

تر اوسه ټول کارونه به بیضوی شکل روان دی چی یو بل ته پاس ورکوی او ملت به بد حالت کی دی چی هر ورځ زورپزی کورونه یی وړانپزی، نسځی کوندی کپزی خو دوی به چوکیو باندی دعوا لری، که دی ته مونږ حکومت وحدت ملی وایو زه حیران یم چی وحدت ملی څه ته وایو.

ملت بدبختی، سمت او زبان پرستی خواته روان دی، صلح او امنیت وجود نلری او د افغانستان آبادی پرپرده چی هیڅ خبری هم ورباندی نکپزی.

مونږ نه په تجارت، زراعت، مالداری او نورو برخو کی پلان نلرو او هیڅ بودجه هم نشته، کله چی حالت دغه رقم دی نو ملت خپل تصمیم نسی، راځی داسی تصمیم ونیسی چه نور ددی رهبران دوره ختمه ده او نظام پرځای پاتی وی خو حکومت تغییر وکړی.

عبدالله خنجانی - خبرنگار:

حکومت وحدت ملی در تمام کشورهایی که تا هنوز تجربه

شده، پرنسب نبوده و به عنوان یک استثنا است. زمانی که قاعده رسمی شکل‌گیری حکومت‌ها نتیجه نمی‌دهند، فشارهای جهانی باعث می‌شود تا طرف‌هایی که دیدگاه‌های متفاوت دارند و در یک تضاد مطلق قرار می‌گیرند، حداقل به‌خاطر منافع جهانی کنارهم بیایند و حکومت سهامی را ایجاد کنند که برای مشروعیت آن بعد حکومت ایتلافی یا حکومت وحدت ملی گفته می‌شوند.

چرا حکومت‌های وحدت ملی تا امروز نتیجه نداده؟ سه تا عامل اساسی باعث شده که حکومت‌های وحدت ملی تا امروز به ناکامی مواجه شوند.

اول، این که طرف‌ها یا صاحبان اصلی قدرت نمی‌توانند فضاها سابقه خود را کنار بگذارند و وارد یک مرحله جدید برای حق‌خواهی و رسیدن به اهداف مشترک شوند. دلیلش هم طبیعی است که گاهی اوقات منافع شان متفاوت می‌باشد. عامل دوم، نبود اعتماد و تعهد برای کامیابی نظام‌ها است. متأسفانه امروزه همان‌گونه‌یی که همه می‌بینند، ما قربانی جنگ قدرت در درون نظام هستیم و شماربیدون در نظر داشت فضای عمومی در افغانستان و اولویت‌های اساسی در تلاش تعیین و تعریف موقعیت خود هستند.

عامل سوم، معاهده و یا ضمانت اجرای دوام این حکومت‌ها است که براساس فشارهای بین‌المللی می‌باشد. هر زمانی این که این ضمانت بین‌المللی از نظام‌های سهامی گرفته شود، اتوماتیک این نظام‌ها محکوم به از بین رفتن هستند.

در یک چنین فضایی پیشنهاد من به عنوان یک خبرنگار این است، تا زمانی که تعهد برای حل مشکل افغانستان در درون نظام ایجاد نشود، هیچ عامل بیرونی حتا گفتمان‌های مدنی و فشارهای جهانی هم نمی‌تواند تغییری را ایجاد کند؛ تا این جایی که آمده‌ایم و فضایی که تصویر شده، رهبران دولت وحدت ملی به این نتیجه برسند که با گذشت زمان ما محکوم به ناکامی هستیم و تمام وضعیت به نفع دشمن است و امیدوارم یک مرحله تازه از همکاری در درون نظام ایجاد شود که مبتنی به اصول و منافع مشترک باشد و حداقل همان تهدید مشترک را به عنوان یک از اصل‌ها بپذیریم.

در بحث صلح، باور من این است که یکی از آسان‌ترین بهانه‌های سیاسی برای فرار از مشکلات در درون افغانستان، شامل ساختن عامل بیرونی در قضایا است. بنابر دو دلیل، امروزه به تلاش‌های صلح در افغانستان امیدوار نیستیم، یکی بر اساس تیوریک است که تیوری‌های حل بحران در دنیا زمانی نتیجه می‌دهد که طرف‌ها پی ببرند که عامل نظامی دیگر کارا نیست.

دوم این که شما با مشکل ذهنیت و تعریف از دشمن نیز امروز در افغانستان روبرو هستید. آرزو دارم که تروریسم و بحث حمایت از آن را در هر سطحی که است به عنوان یک عامل بنگریم و با آن مبارزه کنیم.

بخش بیست و دوم

پایان بازی



بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای آمار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارائه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.



ایادی پاکستان می‌خواستند بر افغانستان تسلط پیدا کنند، هند با جبهه مقاومت یا همان ادامه حکومت مجاهدین، همکاری داشت. میزان این همکاری‌ها در مقاطع مختلف تاریخی، متفاوت بوده است. مثلاً در سال‌های مقاومت، حمایت هند از جبهه مقاومت، به مقدار کمی حمایت‌های مالی و صحنی خلاصه می‌شد.

پس از سقوط حاکمیت طالبان، هند یک بار دیگر با دولت جدید افغانستان، رابطه قایم کرد. پالیسی‌های افغانی هند به گونه‌یی بوده که حتا رابطه با هم‌پیمانان قبلی خود در افغانستان را فدای رابطه با دولت بر سر اقتدار در این کشور کرده است. یکی از مثال‌های بارز آن، تأمین رابطه بسیار نزدیک با حکومت حامد کرزی و حلقه حامی وی بود که در برخی موارد در تقابل با رهبران مقاومت که در جنگ علیه طالبان، به نوعی هند از هم‌پیمانان آنان به شمار می‌رفت - صورت می‌گرفت.

کمک‌های مالی، تخنیک، سیاسی و حتا آموزشی هند در سال‌های اخیر به اندازه‌یی بوده که این کشور را به یکی از پنج کشور بزرگ کمک‌کننده به افغانستان مبدل کرده است. با این حال، پالیسی اصلی هند، مقابله با نفوذ پاکستان در افغانستان بوده. در صورتی که هدف اصلی حمایت از افغانستان می‌بود، با توجه به این‌که پاکستان به دلیل حضور هند در افغانستان، پیوسته تلاش کرده مشکلات بیشتری را برای افغانستان درست کند، هند می‌توانست برای جلوگیری از تحریک پاکستان، حضورش را در افغانستان به گونه دیگری تأمین کند.

این‌که هند اکثر کمک‌هایش را در پروژه‌هایی به مصرف رسانده که در مرز افغانستان و پاکستان قرار دارد، اگر از نگاه افغانستانی‌ها پرسش برانگیز نیست، از دید پاکستان به شدت تحریک‌کننده می‌باشد. در کنار آن، حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم هند از افراد و گروه‌هایی که شعار پشتونستان را سر می‌دهند - با این‌که این افراد و گروه‌ها نقش بزرگی ندارند و داعیه پشتونستان را هم هدف‌مندانه دنبال نمی‌کنند و فقط شعار می‌دهند - برای پاکستان جداً قابل نگرانی است.

اتهاماتی هم وجود دارد که هندوستان از شورشیان بلوچ مخالف پاکستان حمایت‌های مالی و تخنیک می‌کند و حتا پاکستانی‌ها به این باور هستند که برخی از طالبان پاکستانی که به گفته آنان در بخش‌هایی از افغانستان پناهگاه دارند، از سوی هند حمایت می‌شوند. به این ترتیب، برای هندوستان از چند دید بهتر این است که رابطه میان افغانستان و پاکستان همچنان در چارچوب دشمنی و عدم اعتماد

بخش دوم و پایانی

محسن حسن‌زاده - کارشناس ارشد روان‌شناسی همچنین نگران بودن قبل از خواب به این دلیل که عمرمان تلف شده و از دیگران عقب مانده‌ایم، در کنار کار زیاد و بیش از اندازه، از ویژه‌گی‌های افراد استرسی است. تداخل کار و زنده‌گی و ناتوانی جداسازی این دو از هم، همین‌طور غافل‌بودن از همسر و فرزندان به دلیل مشغله زیاد کاری، اهل تجمل بودن و چشم و هم‌چشمی کردن، با عجله رانندگی کردن و از دیگران سبقت گرفتن در کنار از کوره در رفتن‌های زود هنگام، از ویژه‌گی‌های افراد استرسی است.

مسئله، امکان حذف استرس به‌طور کامل وجود ندارد، اما می‌توان آن را کاهش داد و کنترل کرد؛ زیرا اثبات شده خصوصیات حاکم بر زنده‌گی و نوع شخصیت افراد استرسی موروثی نبوده و تابع یادگیری و محیط فرد است.

استرس، چه‌گونه بیمارستان می‌کند؟ تحقیقات متخصصان قلب نشان داده است کسانی که سریع صحبت می‌کنند، سریع غذا می‌خورند و سخت کار می‌کنند، هفت برابر بیشتر مستعد کرونر قلب هستند. همچنین اشخاص مضطرب با حفره دهانی به شدت مشکل دارند؛ زیرا استعمال سگرت، پرخاش‌گری و اظهار ناراضی، غیبت، پرخوری و بدخوری به عنوان شاخص‌های اصلی افراد پراسترس به حفره دهانی مربوط است. پس با کنترل استرس می‌توان بر بسیاری از عوارض ناشی از آن غلبه کرد.

کاهش سرعت در زنده‌گی

مهم‌ترین راهکار برای کاهش و کنترل استرس، شناسایی سبک زنده‌گی پرخطر است که درصد زیادی از مردم ما درگیر آن هستند. یعنی الگوی تغذیه، تحرک و روابط اجتماعی و عاطفی‌شان بر اساس رفتارهای پرشتاب و بدون آرامش شکل گرفته است.

افراد که سریع غذا می‌خورند، حرف می‌زنند، راه می‌روند و حتا روابط خانوادگی، زناشویی و اجتماعی‌شان در فضای به دور از آرامش شکل می‌گیرد، بیشتر در معرض بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت، میگرن و کمردرد قرار می‌گیرند. بر این اساس، بهترین و موثرترین توصیه به چنین افرادی، کاهش سرعت انجام امور روزانه و به‌خصوص اعمال دهانی است. به این ترتیب فرد قدرت تخلیه استرس‌های روزانه را پس از آن‌که غذایش را در آرامش می‌خورد، ورزش می‌کند، عبادت می‌کند، در فضایی آرام به روابط خانوادگی می‌پردازد و نیز در آرامش می‌خوابد؛ به دست می‌آورد. به این ترتیب، استرس‌های جمع شده در فرد به صورت بیماری‌های مختلف امکان بروز پیدا نمی‌کند.

بی‌شک دیابت و استرس یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اولین راهکار مقابله با استرس، کنترل و مدیریت عامل استرس‌زاست که برای آموختن راهکارهای آن می‌توان از مشاوران روان‌شناس و کتاب‌های مرتبط کمک گرفت.

همچنین ورزش علاوه بر آن‌که نقش مهمی که در کنترل استرس دارد، به ثبات شکر خون و کاهش نیاز به دوا و انسولین منجر می‌شود. البته لازم است که بیماران دیابتی، با مراجعه منظم و همیشه‌گی به پزشک و داشتن برنامه‌ریزی و آینده‌نگری از پیشرفت بیماری خود پیش‌گیری کنند.



کنترل دیابت با کاهش چربی

قرار می‌دهد. هگل در پدیدارشناسی مصرانه به انکار این «احساس گرایی» نشست: «به کسانی که این حقیقت و یقین به واقعیت چیزهای محسوس را تصدیق می‌کنند، باید گفت برگردند به مکتب‌های ابتدایی حکمت، برگردند به همان اسرار باستانی الیزوس؛ زیرا راز آشنای این مکتب نه تنها به جایی می‌رسد که در باب بود چیزهای محسوس تردید کند، بلکه حتی از آن به نوبیدی دست می‌شویید. این راز آشنا، از یک جهت، خود به ناپدید کردن این چیزها می‌پردازد و از جهت دیگر، می‌بیند که خود چیزها به همین کار اقدام می‌کنند.» این همان پاسخی است که بعدها وبر به منتقدان فرآیند عقلانیت مدرن داد

امور کلی هستند و هیچ امر جزئی در میان آنها نیست. امر جزئی در دل کلیت مفهومی می‌میرد و مرگش به مثابه رفع همچون یک زخم با امر کلی در توالی‌های آگاهی حمل می‌شود. «هنگامی که از علم، آزمونی بسیار سخت، آزمودنی که علم از پس آن برنخواهد آمد،

می‌توان شرایط را برای خلق «جهانی نو» آماده کرد

اسماعیل نوشاد
دانشجوی مقطع دکترای فلسفه

آگامبن برای شرح معنایی که از منفیت مراد می‌کند، به سراغ هگل می‌رود و به جست‌وجوی ریشه‌های منفیت در اثر معروف هگل یعنی پدیدارشناسی روح می‌پردازد. نخستین صورت آگاهی در پدیدارشناسی هگل، «یقین حسی» است. برداشت حسی و بی‌واسطه ما از جهان، ابتدایی‌ترین و مانوس‌ترین شیوه شناخت است. او می‌گوید که سرچشمه منفیت در پدیدارشناسی

می‌طلبیم و می‌خواهیم که یک این چیز یا یک این بشر را به گونه‌ی پیشینی (یا به هر اصطلاح دیگر) نتیجه بگیرد، یا بسازد، یا باز یابد، البته حق این است که در درخواست روشن شود کدامین چیز یا کدامین من منظور است؛ روشن کردن این منظور اما ناممکن است. هگل از این مطلب نتیجه می‌گیرد که یقین حسی

نگاهی به اندیشه جورجو آگامبن



گرفته و آنچه پیشتر همچون «حکمت ژرف» به بیان نیامدنی جلوه می‌کرد، اکنون می‌تواند (از حیث ظرفیت منفی‌اش) در کنه واژه پاس داشته شود و محفوظ بماند. می‌توان گفت که هگل در این‌جا از فلسفه‌های قبلی که به یک‌باره با یک «جهش» از محسوس به معقول یا از پدیدار به نومن می‌رسیدند، جدا می‌شود: «اصالت و تازه‌گی نظام هگلی در این است که به دلیل قدرت امر منفی، این نقطه عزیمت به بیان در نیامدنی دیگر موجب هیچ نوع گسست یا هیچ گونه جهشی به امر بیان‌ناپذیر نمی‌شود. «مفهوم» همه جا در کار است، در همه جای گفتار نفس منفی Geist (روح) می‌دمد، در هر کلمه‌ی Meining [معنا] به بیان درمی‌آید و معنا در منفیتش آشکار می‌شود. باید دریابیم که «معنای» «این»، در واقع، «نه این» یا منفیتی ذاتی است که در بطن «این» مضمون و مندرج است. بنابراین دیگر به مانند فیلسوفان گذشته، مرز زبان در خارج از زبان یا بین زبان و عالم «واقع» نیست؛ بلکه «مرز زبان همواره درون زبان قرار می‌گیرد، این مرز همواره پیشاپیش، به مثابه امری منفی، درون زبان گنجانده شده است». در این‌جاست که تفاوت «اشاره» و «بیان» نمودار می‌شود. این بوده‌گی حسی قابل اشاره است، اما قابل بیان نیست «هر هگل‌شناسی‌ی باید که تفاوت میان اشاره کردن یا نشان دادن و دلالت کردن یا معنا کردن را پیش‌فرض گیرد». این امر ناگفته معنای زبان است و زبان در وجه اشارت‌گرش به این منفیت معنا را تقویم می‌کند: «امر ناگفتنی دقیقاً همان چیزی است که زبان باید آن را پیش‌فرض گیرد تا معنایی داشته باشد». اما برخلاف هگل، آگامبن این منفیت را رفع‌ناپذیر می‌داند. تفاوت بین معنا و گفتار، بین امر واقع و مفهوم، تفاوتی است که «نمی‌توان بر آن فایق آمد، هر تأملی در باب زبان باید با آن مواجه شود». به عبارتی، آگامبن دیگر به آرمان روشن‌گری درباره امکان وضوح هر مسأله معرفت‌شناسانه‌ی یا رفع هر پارادوکس اجتماعی‌ی به صورت روشن باور ندارد. انسان مدرن، اسیر سحر مگاکمی شده است که در پی رفعش بود: «اگر دیری به مگاکمی چشم بدوزی، آن مگاک نیز در تو چشم می‌دوزد». انسان مدرن، اسیر سحر مگاکمی شده است که در بنیاد زبانش قرار دارد و این همان پدیده‌ی است که «نهیلیسم» نام می‌گیرد.

البته آگامبن می‌خواهد با این نهیلیسم به وجهی آری‌گویانه روبه‌رو شود و از این ناپرده‌گی در جهت امکانی برای رخدادهایی نو در امر اجتماعی بهره گیرد: «جست‌وجوی پلیس و خانواده‌ی که مناسب این فضای خالی و اجتماعی پیش‌انگاشت‌ناپذیر باشد، وظیفه کودکانه نسل‌های آینده است». کوتاه سخن این‌که: او منفیت امر واقع در دل مفهوم را می‌پذیرد اما به مانند هگل به ایجابی شدن این منفیت در پایان پدیدارشناسی باور ندارد. اتفاقاً بالقوه‌گی این امر منفی، کلید رخداد هر زبان و هر اجتماع انسانی‌ی است و رها کردن این بالقوه‌گی به سمت فعلیت ناممکن و به لحاظ سیاسی منجر به دیکتاتوری می‌شود.

به عبارتی، آگامبن نمی‌خواهد به همان راحتی که هگل از برنهاد جامعه مدنی به دولت رسید، این برنهاد را کنار بگذارد. در واقع اگر این گفته هایدگر را به یاد آوریم که هر فیلسوف تنها یک مسأله دارد و در سرتاسر فلسفه‌اش تنها همان یک مسأله را دنبال می‌کند؛ مسأله آگامبن زبان و چه‌گونه‌گی رخداد آن است. این امر را خود او در جاهای مختلفی تأیید می‌کند. در این صورت، این پرسش پیش می‌آید که ارتباط این مسأله به‌شدت پیچیده و انتزاعی و برنهادهای سیاسی وی در کجاست؟ می‌توان گفت که منفیت در ذات زبان برای او چنان شمشیری دو لبه عمل می‌کند. از یک طرف، این منفیت همان امری است که به حکومت‌های پلیسی امکان اعلام وضعیت «استثنایی» را می‌دهد تا در این وضعیت، هرگونه قانونی را ملغا کرده و شرایط را «اردوگاهی» کنند. امکان چنین وضعیتی بر بنیاد ناپرده‌گی زبان است. در آن‌جایی که زبان در مرزش با این ناپرده‌گی روبه‌رو می‌شود، است که می‌توان یک اردوگاه از برهنه‌گان بی‌حقوق را برپا کرد. اما وجه مثبت قضیه این است که این ناپرده‌گی در برابر تمام جبر و تیرانی زبان می‌ایستد. در این‌جاست که می‌توان به قول فوکو از استراتژی صحبت کرد. استراتژی‌ی عمیق‌تر از تمام چینه‌های زبان.

با توسل به این وجه قضیه است که آگامبن از پروژه‌هایی مانند «ناسوتی‌سازی» یا «انبوه‌ها» صحبت می‌کند. در آن‌جایی که قانون به تعلیق می‌آید، همیشه ابتکار عمل به دست اداره‌کننده‌گان اردوگاه نیست، در این شرایط می‌توان استراتژی‌هایی را برای خلق آدمی نو و جهانی نو پیاده کرد.

که «بی‌سر و صدا و بدون جار و جنجال‌های تبلیغاتی معمول درباره کسانی که تغییر مسلک می‌دهند، صاف و ساده راه آمده را باز گردند...».

به عبارتی، هگل «احساس گرایی» رمانتیک جوانی‌اش را کنار می‌گذارد و از امر جزئی درمی‌گذرد تا حقیقت را در امر عام و عقلانی بیابد. در این‌جاست که آگامبن می‌پرسد که راز این چرخش هگل در کجاست؟ هگل در پدیدارشناسی ناممکن بودن بیان امر حسی را نه در «مسکنت واژه‌ها» بلکه ناشی از این واقعیت می‌داند «که خود امر کلی و جهان‌شمول حقیقت یقین حسی را تشکیل می‌دهد». آگامبن می‌گوید که هگل در این‌جا به‌ساده‌گی وجود امر ناگفتنی الئوسوسی را منکر نشده است. «حتما می‌توان گفت زبان در این‌جا با دقت و تعصب بیشتری از امر بیان‌ناپذیر مراقبت می‌کند». دیگر «لازم نیست شعر الئوسوسی ساکت بماند، یا فقر و «مسکنت واژه‌ها» را تجربه کند. درست همان‌طور که حیوانات حقیقت اشیا محسوس را به‌ساده‌گی با بلعیدن و نابود کردن‌شان، یعنی با باز شناختن آن‌ها به مثابه نیستی، یعنی با درک آن در ذات منفیتش نشان می‌دهند».

به عبارتی، امر حسی «نفی» شده در کلیت مفهوم «رفع» می‌شود و به صورتی ناپرده‌گی مورد «اشاره» قرار می‌گیرد؛ اما «بیان» نمی‌شود. «زبان قدرت سکوت» را در اختیار

ارزش «حقیقی» ندارد و برای به دست آوردن حقیقت باید آن را نفی کرده و رهسپار دیالکتیک آگاهی شویم و تنها در پایان راه است که می‌توانیم تمامیت مطلق را به صورتی روشن، دریابیم. آن‌جاست که امر فردانی را در دل امر عام مشاهده می‌کنیم و سرانجام از آگاهی ناخشنود ناشی از دویاره‌گی متناهی و نامتناهی نجات می‌یابیم.

آگامبن از منظر رابطه بین زبان و مرگ، وارد مسأله منفیت می‌شود. «در واقع انسان در سنت فلسفی غرب هم به عنوان موجودی میرا مطرح شده و هم به مثابه موجودی سخنگو. انسان یک «قوة زبان» می‌داند و یک «قوة مرگ» (به قول هگل). پیوند و ارتباط میان این دو قوه در مسیحیت هم به همین اندازه مهم است: انسان‌ها «پیوسته به‌خاطر مسیح تسلیم مرگ می‌شوند» یعنی به‌خاطر کلمه. در ادامه وی می‌پرسد که رابطه این «قوا» چه‌گونه است؟ در این‌جاست که او متوجه منفیت می‌شود: «توضیح پیوند میان زبان و مرگ بدون روشن کردن مسأله امر منفی ممکن نیست».

آگامبن در کتاب «زبان و مرگ» شعری را در مورد رازهای مکتب الئوسوسی از هگل جوان می‌آورد که در آن شعر، هگل زبان را به‌خاطر «فقر و مسکنت واژه‌ها» در بیان ژرفای «شوری و صف‌ناپذیری» مورد سرزنش

ضمیم اشاره diese یا «این» است. اما چنان که هگل نشان می‌دهد، ما تنها می‌توانیم به‌واسطه نوعی انتزاع از این یقین حسی سخن بگوییم؛ این انتزاع همان زبان است.

ما نمی‌توانیم یقین حسی را بیان کنیم، چون زبان منظور و معنا را بیان نمی‌کند و از این‌رو کیفیتی «کلی» (پس منفی) می‌یابد. وقتی که در «این‌جا» و «اکنون» به یک شیء خاص اشاره می‌کنیم، منظور ما دقیقاً چیست؟ «در برابر پرسش اکنون چیست؟ به عنوان مثال پاسخ خواهیم داد: اکنون شب است. برای احساس حقیقت این یقین حسی، تجربه‌ی بی‌سبب کافی خواهد بود. حالا همین حقیقت به‌صورت نوشته نگه‌داری‌شده را فردا ظهر دوباره نگاه می‌کنیم، این‌جاست که باید بگوییم [حقیقت مورد نظر ما] باد خورده و ضایع شده است. شکی نیست که اکنون، خودش نیز [در این نگه‌داری] باقی مانده است، ولی به عنوان اکنونی که شب نیست یا به عنوان امر منفی به طور کلی». بنابراین به تعبیر هگل، هر اکنون خاصی نیز در زبان یک اکنون با واسطه و کلی است که در دل خود لحظاتی مختلف را به‌صورت منفی نگه می‌دارد. همچنین مثلاً زمانی که ما از یک درخت صحبت می‌کنیم و ویژه‌گی‌های گوناگونی را به آن نسبت می‌دهیم، این ویژه‌گی‌ها همه

رئیس‌جمهور غنی در نامه‌ی به رهبران پاکستان:

از حمایت طالبان دست بردارید



رئیس‌جمهور غنی از اسلام‌آباد خواسته است که از پشتیبانی طولانی‌مدت خود از طالبان دست بکشد.

این اقدام ظاهراً نشان‌دهنده تجدید نظر حکومت افغانستان در مورد تماس‌هایش با پاکستان است. رئیس‌جمهور غنی با فرستادن نامه‌ی به رهبران نظامی و غیرنظامی پاکستان از آنان خواسته که با برداشتن گام‌های مشخص، پناه‌گاه‌های طالبان را در کشورشان متوقف سازند و در رسیده‌گی به کمپاین خشونت‌آمیز آنان در داخل افغانستان نیز همکاری نکنند.

منابع در ارگ ریاست جمهوری در کابل تأیید کرده‌اند که رئیس‌جمهور غنی در نامه‌ی که این هفته به رهبران پاکستان فرستاده از آنان خواسته تا با در نظر گرفتن هفت گام مشخص ظرف سه هفته آینده صداقت خود را در مورد حمایت از روند صلح افغانستان به اثبات برسانند.

یک مقام دولت افغانستان که در مورد این نامه آگاهی دارد، به وبسایت گندهارا گفته است که اسلام‌آباد باید با صدور یک اعلامیه رسمی راه‌اندازی عملیات بهاری طالبان را محکوم کند.

این مقام افزوده است که پاکستان باید عملیات ضد تروریسم را در برابر شبکه حقاتی گسترش دهد و کسانی که مسوول فعالیت‌های تروریستی اخیر در داخل افغانستان بوده‌اند را دستگیر کند.

در یکی از آشکارترین خواسته‌ها، رئیس‌جمهور غنی از رهبری ارتش پاکستان خواسته تا با صدور یک دستور از دادن پناهگاه برای طالبان امتناع ورزند. در گذشته، اسلام‌آباد دادن پناهگاه امن به طالبان را رد کرده است.

این مقام افزوده است که یکی دیگر از خواسته‌های رئیس‌جمهور غنی این است که اعضای شورای کویته و پشاور، شورای رهبری طالبان، در خانه‌هایشان تحت نظارت قرار گیرند و اقدامات قانونی علیه آن‌ها برای تهدید امنیت دولت‌های دوست آغاز شود.

به گفته این مقام، رئیس‌جمهور غنی همچنین از اسلام‌آباد خواسته است تا در این موارد به توافق برسد: تبادل زندانیان، جلوگیری از معالجه و تداوم جنگجویان طالبان در داخل پاکستان و نیز محدود کردن فروش کودکیمیای و سوئیچ‌های برقی که می‌توانند در انفجار وسایل انفجاری دست‌ساز استفاده شوند، چیزی که قاتل نظامیان و

وزیر زراعت برنامه...

جریان سال و پس از آن عنوان نمود. وزیر زراعت و مالداري کشور از میزان مشارکت مردم و سکتور خصوصی در این وزارت به مردم اطمینان داده و برنامه‌های صد روز نخست را در ۸ بخش ارایه نمود.

به گفته آقای ضمیر، این وزارت در بخش آبیاری، گندم، ذخایر استراتژیک و مصونیت غذایی، باغداری و نباتات صنعتی، مالداري و بهداشت حیوانی، تحقیق و ترویج و تنظیم منابع طبیعی و جنگلات، حمایت و رشد سکتور خصوصی و اصلاحات نهادی، احصایه

بامیان نخستین پایتخت...

است تا برنامه افتتاحیه بامیان به عنوان نخستین پایتخت فرهنگی سارک را در موعد معین آن، ۱۵ جوزا ۱۳۹۴، برگزار کند.

قرار است در این جشن که بامیان به عنوان اولین پایتخت فرهنگی اتحادیه همکاری‌های جنوب آسیا سارک معرفی می‌شود؛ نماینده‌گان بیش از ده کشور اشتراک نمایند.

بامیان از ولایات باستانی افغانستان است که در فاصله حدود ۲۶۰ کیلومتری کابل پایتخت این کشور قرار دارد.

موجودیت صدها آبه تاریخی ادوار مختلف، مناظر

غیر نظامیان افغانستان پنداشته می‌شود.

رئیس‌جمهور غنی در طول هفت ماه گذشته برای بهبود روابط میان کابل و اسلام‌آباد سخت تلاش کرده است.

اما این تلاش‌ها هنوز با دست‌آورد چشم‌گیری به همراه نبوده است.

بارنت روبین، تحلیلگر و محقق مجرب در امور افغانستان می‌گوید: رئیس‌جمهور غنی در بدل تلاش برای نزدیک‌سازی روابط با پاکستان و با وجود قبول کردن خطر قابل ملاحظه سیاسی برای انجام این کار، دست‌آورد اندکی داشته است.

روبین افزود است: از هنگامی که رئیس‌جمهور غنی این تلاش‌ها را آغاز کرده، طالبان مستقر در پاکستان بزرگترین عملیات بهاری خود را راه‌اندازی کرده‌اند.

روبین گفته است تا اکنون شاهد هیچ‌گونه شواهدی نبوده که کسی در پاکستان در تلاش متوقف ساختن طالبان بوده باشد.

اما، رهبران نظامی و غیر نظامی پاکستان ظاهراً سخنان عملگرایی‌ی گفته‌اند.

جنرال راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان در جریان سفرش به کابل در ماه فروری گفت که دشمنان افغانستان دشمنان پاکستان هستند، سخنانی که مایه دلگرمی مقامات کابل شده بود. اما هنگامی که طالبان در بیست و چهارم ماه اپریل عملیات بهاری‌شان به نام عزم را آغاز کردند،

و منابع بشری در جریان صد روز آینده کار می‌کند. آقای ضمیر، چالش‌های عمده فراراه این وزارت را ناامنی‌ها، استخدام کارمندان متخصص و مسلکی و موضوعات تدارکاتی عنوان کرد.

وی گفت که وزارت راعت و مالداري برای عملی ساختن برنامه‌هایش در صد روز آینده بودجه کافی در اختیار دارد و برنامه‌های ارایه شده را در ۸ عرصه تطبیق و به بهره برداری می‌سپارد.

وزیر زراعت افزود: این وزارت در ۳۴ ولایت کشور، ۱۱۵ مکتب را به منظور تنظیم همه جانبه آفات برای دهاقین و ۳۰ درمان‌گاه سیار جهت تشخیص آفات نباتی در ۷ ولایت، ایجاد می‌کند.

زیبا و طبیعی این ولایت سبب شده است که سالانه هزاران سیاح داخلی و خارجی از این ولایت دیدن نمایند.

مسئولان اداره اطلاعات و فرهنگ ولایت بامیان می‌گویند که با معرفی این ولایت به عنوان اولین پایتخت فرهنگی سارک، فصل جدیدی از اعتبار و عظمت تاریخی و فرهنگی مردم افغانستان، به جهانیان به نمایش گذاشته می‌شود.

کبیر دادرس رئیس اداره اطلاعات و فرهنگ بامیان در این باره به صدای امریکا گفت: «در جشنواره‌های سارک که طی دو تا سه روز در مرکز ولایت بامیان دایمی شود غرفه‌های صنایع دستی و محلی ۳۴ ولایت کشور به نمایش گذاشته می‌شود».

مجلس بر ارایه طرحی جدید...

شریفی بلخایی نماینده ولایت سرپل گفت که این ولایت در آستانه سقوط قرار دارد و باید یک طرح جامع برای ایستادگی در برابر حملات طالبان ساخته شود: «من جدا تقاضا می‌کنم که باید با حکومت صحبت شود. یا بحث بومی‌سازی امنیت و خیزش‌های مردمی را حمایت کند یا نیروهای امنیتی به قوای هوایی دسترسی داشته باشند و امنیت را تامین کنند. بازی دادن مردم راه حل نیست».

در تازه ترین مورد جنگجویان طالب حملات شان بر بغلان، سرپل و ارزگان شدت بخشیده‌اند. وزارت داخله روز شنبه با نشر اعلامیه‌ی گفته است که عملیات‌ها در ولایات ننگرهار، کندز، بدخشان، سرپل، غزنی، پکتیکا و هرات ادامه دارد.

نیروهای امنیتی افغانستان در حال حاضر در بیشتر ولایات مصروف جنگ با طالبان هستند. مقام‌های امنیتی می‌گویند طالبان به شدت تلاش دارند تا با تصرف ولسوالی‌ها، دارای جغرافیا شوند ولی هنوز هیچ ولسوالی سقوط نکرده است. وزارت‌های داخله و دفاع بارها تأکید کرده‌اند که پولیس و اردو توانایی رویارویی با طالبان را دارند. با این هم عبدالرووف ابراهیمی رئیس مجلس تأکید کرد که باید چنین طرحی ساخته شود و حکومت به اجرای آن ملزم گردد: «سه کمیسیون ولسی جرگه با همکاری وزارت‌های امنیتی باید یک طرح امنیتی را بسازند بعد در جلسه عمومی بالای آن رای گیری کنیم تا الزام‌آور باشد و حکومت آن را اجرا کند».

امیدواری مقامات دولت افغانستان در مورد این سخنان راحیل شریف کم‌رنگ شد. با آغاز این عملیات، ناامنی هم در مناطق مختلف افغانستان افزایش یافت. روزنامه نیویارک تایمز به تازه‌گی گزارش داد که شمار تلفات نیروهای افغانستان به گونه چشمگیری در حال افزایش است.

به اساس گزارش این روزنامه، در ربع اول سال روان میلادی حدود هژده صد نیروی امنیتی افغانستان کشته شده‌اند.

چند ماه پس از سفر راحیل شریف، در دوم ماه می بود که نواز شریف صدراعظم پاکستان نیز از کابل دیدن کرد.

او در کابل در صحبت با خبرنگاران افزایش خشونت‌ها و همچنین عملیات عزم طالبان را محکوم کرد و حتی وعده سپرد که هرگاه پناه‌گاه‌های طالبان پیدا شوند، با اقدام مستقیم نابود خواهند شد.

روبین می‌گوید: نمی‌توان در آینده نزدیک شاهد عملکرد جدی از جانب پاکستان بود.

او می‌گوید: اگر رئیس‌جمهور غنی نتواند به مردم افغانستان نشان دهد که تلاش‌هایش به بهبود امنیت و برقراری صلح در این کشور می‌انجامد؛ او چاره‌ی ندارد جز این‌که به طور علنی بیان کند که پاکستان در تلاش بی‌ثبات‌سازی افغانستان است.

مسکو، دهلی و پکن برای...

مطالعات منطقه‌ی افغانستان می‌گوید: احتمال این‌که نا امنی‌های افغانستان کشورهای هم پیمان روسیه را در آسیای مرکزی بی‌ثبات سازد، مسکو را نگران ساخته است. او گفت: «افغانستان کشوری است که از یک طرف بین آسیای مرکزی و شرق میانه واقع شده و از سوی دیگر یک گذرگاه بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی پنداشته می‌شود. اگر این سه کشور (یعنی روسیه، چین و هند) با هم نزدیک شوند - مخصوصاً اگر بین چین و هند درین زمینه توافق نظر و توافق منافع به وجود آید - می‌توانیم امیدوار باشیم که این سه کشور خواهند توانست با غرب به این توافق برسند که ثبات افغانستان به سود همه جناح‌ها است».

در همین حال، سخنگوی وزارت خارجه چین هم گفته که پیکنگ، دهلی جدید و مسکو موافقت کرده‌اند که به گفت‌وگوهای شان درباره افغانستان ادامه دهند. از سوی دیگر، رسانه‌های روسیه خبر داده‌اند که رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین، از محمد اشرف غنی ریس‌جمهور افغانستان خواسته که در جلسه سران کشور های عضو سازمان شانگهای شرکت کند.

این جلسه در ماه جولای به میزبانی شهر اوفای روسیه برگزار خواهد شد.

رئیس‌جمهور غنی به دعوت رئیس‌جمهور روسیه پاسخ مثبت داده و قرار است در این نشست اشتراک ورزد.

باشندگان ولایت بامیان با ابراز امیدواری می‌گویند که با معرفی این ولایت به عنوان پایتخت فرهنگی سارک، توجه جهانیان بخصوص هشت کشور عضو سارک و کشورهای ناظر این سازمان جلب خواهد شد.

ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و چین از جمله کشورهای ناظر بر سازمان سارک اند. افغانستان به تازه‌گی عضویت این سازمان را بدست آورده است. سرپرست اداره محلی ولایت بامیان می‌گوید که یکی از اهداف مهم کشورهای عضو سارک، فقرزدایی و زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری می‌باشد که بامیان به عنوان پایتخت فرهنگی این سازمان از آن بی‌نصیب نخواهد ماند.



شبی که ضعیفان پیروز شدند!



ماندگار: سبب بلاتر بار دیگر به عنوان رئیس فیفا برگزیده شد. در شبی که اکثریت کشورهای زورمند جهان مخالف او بودند، بلاتر در رقابت با شهزاده اردنی بار دیگر پیروز شد و برای چهار سال دیگر به حیث رئیس فیفا باقی ماند. اکثریت مطلق کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین به بلاتر رأی دادند. او حامی کشورهای فقیر در فوتبال است. از همین رو، اکثریت کشورهای فقیر دنیا به این پیرمرد

سوئیسی رأی دادند.

امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، پرتغال، استرالیا و ایتالیا از مخالفان عمده بلاتر بودند. برخی از کشورهای غربی تهدید کرده بودند که با پیروزی بلاتر جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را تحریم خواهند کرد؛ اقدامی که تا اندازه‌ی بی‌عیب به نظر می‌رسد.

سبب بلاتر از انتخاب دوباره به عنوان رئیس فیفا بسیار خوشحال است. او تأکید کرد که فرد ایده‌آلی برای این پست نیست اما نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا کشتی فیفا را به ساحل آرامش برساند.

در انتخابات ریاست فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، این سب بلاتر سوئیسی بود که توانست با پشت سر گذاشتن شاهزاده علی بن حسین اردنی برای پنجمین بار پیاپی به عنوان رئیس فیفا انتخاب شود.

انتخاب بلاتر بعد از این همه رسوایی که فیفا داشت بسیار عجیب بود و طبیعی است که این پیرمرد سوئیسی از انتخاب چند باره خود برای ریاست کرسی فیفا بسیار خوشحال باشد. بلاتر بعد از هاوانجج بیشترین حضور را در کرسی ریاست فیفا دارد. هاوانجج برزیلی از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۸ رئیس فیفا بود و از سال ۱۹۹۸ نیز تا الان این پست در اختیار بلاتر سوئیسی است.

بلاتر بعد از انتخاب به عنوان رئیس فیفا گفت: بدون شک از این انتخاب بسیار خوشحالم. من بار دیگر به عنوان ناخدای کشتی فیفا انتخاب شدم و نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرم تا این کشتی را به ساحل آرامش و نجات برسانم.

او ادامه داد: من این توانایی را داشتم که دوباره به عنوان رئیس فیفا انتخاب بشوم. هر زمان که به این نتیجه برسم که دوران من تمام شده است این پست را با نهایت احترام در اختیار نفر بعدی قرار می‌دهم. باید اعتراف کنم که من فرد ایده‌آلی نیستم و اصلاً هیچ کس ایده‌آل نیست اما باید برای پیشرفت فوتبال و اداره هر چه بهتر این نهاد نهایت همکاری را با هم داشته باشیم. اگر در کنار هم باشیم همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت.

مالک باشگاه میلان: انجولوتی می‌آید



مالک باشگاه میلان می‌گوید روسوئری فعلاً تمام تمرکز خود را روی جذب کارلتو برای جانشینی فیلیپو اینزاگی قرار داده است و فعلاً گزینه دیگری ندارد. سیلیویو برلوسکونی صراحتاً اعلام کرد که برای پروژه جدید خود، جز کارلو آنجولوتی به گزینه دیگری جهت هدایت تیم میلان فکر نمی‌کند و اینکه علاوه بر تلاش برای بازگشت کارلتو، قصد دارد یکی دیگر از مهره‌های کلیدی خود را به سن‌سیرو برگرداند.

برلوسکونی در گفت‌وگو با شبکه اسپورت مدیاست اظهار داشت: من برای کادرفنی تیم به کسی جز آنجولوتی فکر نمی‌کنم. کارلتو خواهد آمد و فکر نمی‌کنم که نیازی به جستجو برای یافتن یک مربی دیگر باشد. به باور من، میلان فرصت فوق‌العاده‌ای برای جذب آنجولوتی به عنوان مربی بعدی خود دارد.

برلوسکونی اعتراف کرد که تیمش در تابستان امسال می‌خواهد یک گام بلند دیگر برای بازگشت به اوج بردارد و آن تلاش برای برگرداندن زلاتان ابراهیموویچ به سن‌سیروست. او ادامه داد: من خیلی دغدغه بازگرداندن او را دارم، اگرچه محقق کردن چنین اتفاقی بسیار سخت است. ما باید صبور باشیم.

مالک باشگاه میلان در پایان تأکید کرد که هواداران تیمش از او خواسته‌اند که آنجولوتی را برگرداند. وی عنوان کرد: تمام هواداران به من برای استخدام آنجولوتی توصیه کرده‌اند. من به توصیه آنها گوش کرده‌ام و راه حل مناسب را پیدا خواهیم کرد. او باید تحت یک عمل جراحی کوچک قرار بگیرد و پس از آن باید با خانواده‌اش برای گرفتن تصمیم نهایی مشورت کند. آنجولوتی که روز دوشنبه هفته گذشته در پایان یک فصل بدون جام در رئال مادرید از سمت مربیگری کهکشانی‌ها برکنار شد، پیش از این اعتراف کرده بود که اگر رئالی‌ها به او فرصت دیگری برای ماندن در سانتیاگو‌برنابئو ندهند، می‌خواهد یک سال به استراحت بپردازد.

آلگری:

از رویارویی با مسی و نیمار نمی‌ترسیم



سر مربی تیم فوتبال یوننتوس گفت که او و مردانش دغدغه رویارویی و دست و پنجه نرم کردن با ستاره‌های هجومی بارسلونا را ندارند. ماسیمیلیانو آلگری تأکید کرد تیمش برای رویه‌رو شدن با لیونل مسی در فینال لیگ قهرمانان استرس ندارد. او که تیمش فردا در آخرین هفته از فصل ۱۵-۲۰۱۴ سری A به مصاف هلاس ورونا می‌رود، گفت: فکر می‌کنم این طبیعی است که تمام توجه ما به فینال لیگ قهرمانان باشد و باید برای آن ذوق داشته باشیم. احتمال اینکه فصلی مانند این برای ما تکرار شود کم است، چون در سه تورنمنت مختلف بازی کرده‌ایم و در همه آنها تا پایان راه رفته‌ایم و در دو تورنمنت به هدف نهایی مان که قهرمانی بود رسیده‌ایم. حالا باید ببینیم که شنبه هفته آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد.

فوق‌العاده‌ای هستند. زمانی که شما در چنین بازی‌هایی شرکت می‌کنید، مشخص است که رقابتی در سطحی جهانی خواهید داشت، اما این موضوع برای شما نباید به منبعی از استرس و اضطراب تبدیل شود.

آلگری افزود: علاوه بر این اگر ما به فینال لیگ قهرمانان راه پیدا کرده‌ایم معنایش این است که تیممان از کیفیت لازم برخوردار است، همانطور که فینالیست‌های قبلی چنین شایستگی داشته‌اند. ما می‌دانیم که بارسلونا در خط حمله‌اش بازیکنان مهمی دارد، درست مانند خط میانی‌اش جایی که اینیستای خارق‌العاده بازی می‌کند. با این حال ما باید آرامش خودمان را حفظ و با ذوق و شوق بازی کنیم. در عین حال می‌توانیم با دست خودمان به شانس قهرمانی‌مان در این رقابت‌ها ضربه بزنیم. این هفته باید مانند تمام هفته‌های قبلی به میدان برویم. جایزه‌ای که پتانسیل کسب آن را داریم در سطح دیگری قرار دارد اما نباید در ۲۴ ساعت روز به این موضوع فکر کنیم، چون انرژی روانی ما را می‌گیرد.

تیم‌های یوننتوس و بارسلونا شنبه هفته آینده در ورزشگاه المپیک برلین در فینال لیگ قهرمانان اروپا به مصاف هم می‌روند.

در لیگ قهرمانان معمولاً اینگونه است.

سر مربی پیشین میلان در خصوص رویارویی شاگردانش با منلث هجومی بارسلونا به‌خصوص لیونل مسی تأکید کرد: نباید استرس مواجهه با مسی یا دلواپسی رویارویی با نیمار را داشته باشیم. در واقع من دلیلی برای داشتن چنین اضطرابی را درک نمی‌کنم. این دو بازیکنان

بررسی مشکلاتی را که ما در این فصل داشته‌ایم باید در درجه دوم اهمیت قرار داد. در فینال ما هیچ برتری‌ای نسبت به حریف نداریم اما باید کاملاً متوجه این موضوع باشیم که شانس واقعی برابر یک تیم فوق‌العاده داریم و باید امیدوار باشیم که شانس هم کمی یارمان باشد، چون

ریو فردیناند از فوتبال خداحافظی کرد



مدافع سابق تیم ملی فوتبال انگلیس و منچستریونایتد از فوتبال خداحافظی کرد.

ریو فردیناند که فصل ناامید کننده‌ی را با کوئینز پارک رنجرز پشت سر گذاشت، پس از سقوط تیمش به دسته پایین‌تر و بعد از اینکه مسئولان این تیم او را بازیکن آزاد اعلام کردند، تصمیم گرفت از فوتبال حرفه‌ی خداحافظی کند.

کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال انگلیس دیروز اعلام کرد که دوران حرفه‌ی‌اش در فوتبال به انتها رسیده است.

فردیناند ۳۶ ساله در طول فصل گذشته علاوه بر اینکه می‌توانست به تیمش برای ماندن در لیگ برتر کمک کند یکی از بدترین اتفاقات زندگی‌اش را هم تجربه کرد که از دست دادن همسرش بود. همسر فردیناند ماه گذشته به دلیل سرطان درگذشت.

رونالدو رئال مادرید را ترک خواهد کرد؟

رونالدو و پرس ممکن است در نهایت منجر به جدایی رونالدو از رئال شود. طبق گزارش این نشریه، رونالدو که بعد از پایان فصل دلخوری‌هایی داشت، از شرایط مادرید در این روزها اصلاً راضی نیست، او تمایل به ادامه همکاری با آنجولوتی داشت ولی این مربی از کار برکنار شد، در کنار آن، استخدام بنیتس و حمایت زیاد پرس از بیل، موضوعاتی هستند که ستاره پرتغالی را ناراضی کرده و به این ترتیب ممکن است رونالدو در تابستان رئال را ترک کند.



ستاره پرتغالی رئال، آنچنان از شرایطش در این تیم راضی نیست. یک منبع اسپانیایی مدعی شده اختلافات میان

پاریسن ژرمن و یونایتد مشتریان احتمالی این بازیکن هستند.

پرچم سیاه بر فراز بخارا و تاشکند



زندگی جوانان ما را مجبور کرده است برای یافتن کار به روسیه مهاجرت کنند. این جوانان آسیب پذیرند و به دام گروه‌های افراطی گرفتار میشوند.

تبلیغات داعش در میان جوانان

مومن شعر، تحلیلگر مقیم شهر دوشنبه به «تبلیغات داعش و شبکه های اجتماعی» در میان جوانان تاجیک اشاره می‌کند و می‌گوید: «تنها عامل پیوستن جوانان تاجیک به گروه داعش فقط فقر، بیکاری و مهاجرت نیست. مشاهده شده است جوانانی که زندگی خوبی هم داشتند به گروه داعش پیوستند. اینان تحت تاثیر تبلیغات داعش قرار گرفتند و ممنوعیت حجاب و رفتن جوانان زیر ۱۸ سال به مسجد را بهانه می‌کنند.»

این تحلیلگر خاطرنشان میکند: «اکثر جوانان تاجیک که در صفوف داعش در سوریه و عراق می‌جنگند پشیمان هستند اما هیچ امکاني ندارند از آنجا برگردند. چون بر اساس قواعد داعش هر کسی که از «جهاد» برگردد قتل او جایز است. عفو دولتی هم ظاهراً در میان کسانی که در داخل کشور قصد پیوستن به گروه داعش را داشتند، روشنگری کرده است. اما در بازگشت تاجیکانی که در ترکیب داعش می‌جنگند و اظهار پشیمانی کردند عملاً کمکی نکرده است.»

وضعیت دیگر کشورهای آسیای میانه

نفوذ گروه داعش نگرانی دیگر کشورهای آسیای میانه را هم برانگیخته است. مقامهای امنیتی ازبکستان تأکید کردند که تبلیغات گروه داعش و «جنبش اسلامی ازبکستان» برای جذب جوانان این کشور بیشتر شده است.

عاشیرقلی بابیری، تحلیلگر مسائل سیاسی مقیم عشق‌آباد، در این رابطه می‌گوید که گروه داعش بیشترین نیرو را از میان تاجیکان و ازبک‌ها جذب کرده است.

بابیری تأکید می‌کند گرچه ترکمنستان با افغانستان مرز طولانی دارد و احتمال نفوذ تروریسم وجود دارد؛ ولی دولت این کشور احساس خطر نمی‌کند. این کارشناس توضیح می‌دهد که سیاست خارجی ترکمنستان بر مبنای «بی‌طرفی» استوار است و در بلوک‌های منطقه‌ای حضور ندارد. علاوه بر این، ترکمنستان در تامین برق و گاز ارزان به مردم افغانستان کمک کرده است.

بابیری اضافه می‌کند: «ترکمنستان حتی در زمان حکومت طالبان، پشتیبان مذاکرات صلح در افغانستان بود. حال هم طالبان و هم دولت کنونی افغانستان از خط لوله تابی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) که قرار است گاز ترکمنستان را از خاک افغانستان به پاکستان و هند انتقال دهد، حمایت می‌کنند.»

به گفته این کارشناس گرچه مرز طولانی این کشور با افغانستان آسیب‌پذیر است اما تاجیکستان که ارتش روسیه از مرزهای آن حفاظت میکند بیش از پیش هدف گروه‌های تروریستی قرار گرفته است. نگرانی از نفوذ جوانان به گروه داعش در تاجیکستان هم بیشتر از آن کشور دیگر آسیای میانه است. در این رابطه اخیراً مقامات وزارت داخله تاجیکستان رسماً اعلام کردند که در صورت بازگشت جهادگران تاجیک از سوریه و عراق به کشور، مورد عفو قرار خواهند گرفت.

به گفته مقامات تاجیکستان حدود ۴۰۰ شهروند این کشور در صفوف داعش می‌جنگند. اخیراً یک دگروال تاجیک به داعش پیوست. به نظر کارشناسان فقر و بیکاری تنها عامل پیوستن جوانان تاجیک به داعش نیست.

نفوذ گروه داعش در کشورهای مسلمان آسیای میانه (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) گسترش می‌یابد. رسانه های محلی از برافراشته شدن پرچم داعش در تاشکند و بخارا خبر دادند. در تاجیکستان هم مقامات هشدار دادند که در ماه های گذشته تعداد افرادی که به گروه افراطی داعش پیوستند، افزایش یافته و خطر نفوذ این گروه تروریستی در آسیای میانه با ظهور آن در افغانستان بیشتر شده است. افغانستان با تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان هزاران کیلومتر مرز مشترک دارد و کنترل مرزهای صعب‌العبور آن دشوار است.

به گفته مقامات امنیتی و قضایی تاجیکستان شمار شهروندان این کشور که به داعش پیوستند ۴۰۰ نفر برآورد میشود. مقامات قضایی تاجیکستان برای ۱۵۰ تن از شهروندان خود به اتهام عضویت در گروه های تروریستی پرونده جنایی باز کردند. این افراد از طرف «اینتربیل»، پولیس بین‌المللی، نیز تحت تعقیب قرار گرفته اند. تا کنون ۶۰ تن از جنگجویان تاجیک در سوریه و عراق کشته و ۱۲ نیز نگر بازداشت شده‌اند.

پیوستن سرهنگ تاجیک به گروه داعش

مقامات وزارت داخله تاجیکستان مهمترین عامل پیوستن تاجیکان به گروه های تروریستی را ناآگاهی سیاسی عنوان کردند. آنها تأیید میکنند که گرایش به گروه داعش در میان جوانانی که برای یافتن کار به روسیه رفتند نیز بیشتر بوده است. اما کارشناسان حتی نسبت به نفوذ گروه داعش در ساختار دولت این کشور هم هشدار می‌دهند. به گزارش دویچه‌وله اخیراً سرهنگ گل‌مراد حلیماف، یکی از افسران ارشد وزارت داخله تاجیکستان به گروه تروریستی داعش پیوست.

در شبکه های اجتماعی روز چهارشنبه ویدیویی از حلیماف در لباس سیاه متعلق به جنگجویان گروه داعش منتشر شد. او مدعی شد که در امریکا و روسیه دوره‌های آموزشی نظامی گذرانده و در دانشگاه نظامی تاجیکستان تحصیل کرده است.

این سرهنگ تاجیک در فیلمی ۱۲ دقیقه‌ای از قوانین تاجیکستان، که به نظر وی مخالف شریعت است، انتقاد میکند. حلیماف خطاب به مهاجران تاجیک هم می‌گوید: «غلام کافران باشید و غلام‌الله باشید!» این فرمانده سابق نیروهای ویژه وزارت داخله تاجیکستان اعلام کرد که با هدف برقرار کردن «خلافت اسلامی» به تاجیکستان بازخواهد گشت.

خطر نفوذ داعش در ساختار دولتی تاجیکستان

آندره سرنکو، کارشناس «مرکز مطالعات افغانستان معاصر» که در رابطه با گسترش نفوذ گروه داعش در آسیای مرکزی هم تحقیق میکند دلیل پیوستن سرهنگ تاجیک به گروه داعش را گسترش فساد در تاجیکستان و پایین بودن سطح زندگی میدانند. وی بر این باور است که افسران و مقامات بلندپایه نظامی این کشور مجبورند یا به «دایره فساد» بپیوندند و بخشی از سیستم فاسد شوند» یا اینکه به گروه‌هایی بپیوندند که انگیزه‌هایی غیر از رشوه‌خواری دارند. به نظر سرنکو سرهنگ تاجیک ترجیح داده است به گروه داعش بپیوندد.

این کارشناس همچنین تأکید میکند که «بارگیری» گروه داعش فقط از میان مهاجران کاری تاجیک در روسیه نبوده، بلکه این گروه در ساختار دولتی تاجیکستان هم طرفدارانی دارد. وی نتیجه می‌گیرد که گروه داعش در میان نخبگان کشورهای آسیای میانه برای پیوستن به صوف خود تبلیغ میکند. پیوستن سرهنگ تاجیک به گروه داعش به عقیده این کارشناس جذابیت و نفوذ گروه داعش را نشان می‌دهد و بزرگ‌ترین پیروزی آن گروه در تاجیکستان شمرده میشود.

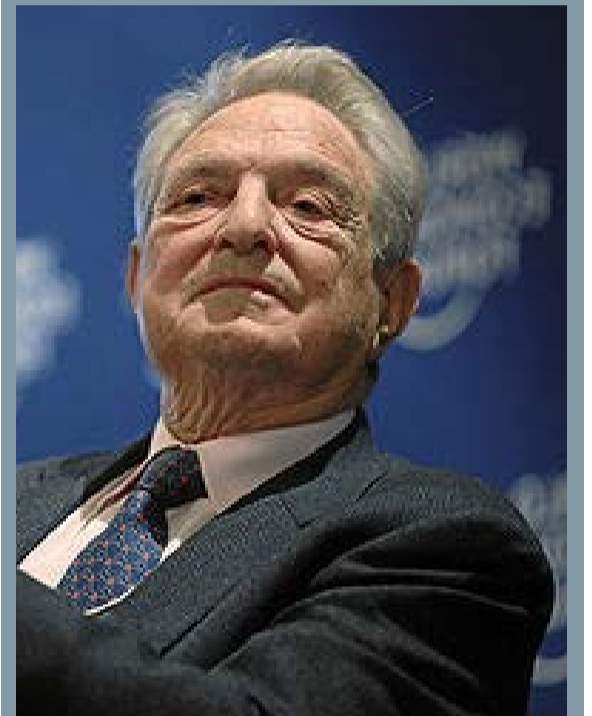
انگیزه پیوستن جوانان تاجیک به گروه داعش

به گفته واحدخان قاصدیناف، یکی از رهبران «حزب نهضت اسلامی تاجیکستان» ممنوعیت ورود مردان زیر ۱۸ ساله به مسجد و ممنوعیت آموزش خصوصی قرآن و علوم اسلامی سبب شده است که جوانان تاجیک به صفوف گروه‌های اسلامی بپیوندند.

قاصدیناف در گفت‌وگو با دویچه‌وله می‌گوید: «سبب اصلی گرایش مردم به خصوص جوانان تاجیک به داعش این است که آنان دانش اسلامی ندارند و این معلومات دینی را از گروه‌های افراطی اسلامی می‌گیرند. در تاجیکستان عملاً گرفتن معلومات دینی ممنوع شده است. از سوی دیگر نبود اشتغال و نازل بودن سطح

سرمایه‌گذار معروف امریکایی ضمن هشدار از وقوع جنگ جهانی سوم:

پکن و واشنگتن کنار آیند



با افزایش قدرت علمی و اقتصادی، چین اکنون به رقیب امریکا تبدیل شده است. به گفته جورج سوروس، سرمایه‌گذار امریکایی، با توجه به این وضعیت اگر این دو کشور به زودی برای سازش با یکدیگر راهی پیدا نکنند، در آینده اتفاقات ناگواری تمام جهان را درگیر خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، سوروس طی سخنرانی اخیر خود در کنفرانس «کمپته برتون وودز» بانک جهانی از احتمال بروز جنگ جهانی سوم در صورت عدم انجام مصالحه لازم از سوی چین سخن گفت.

وی در این باره گفت: امریکا با اجازه دادن به پول چین جهت تبدیل شدن به رقیبی برای دالر، تلاش لازم در جهت سازش و مصالحه را انجام داده است. بنابراین چین هم باید اقدام سازش‌کارانه‌ای را در مقابل انجام دهد. مشکلات بسیاری در سیستم چینی‌ها وجود دارد. دوام رهبری این کشور به دلیل حاکمیت قانون نیست؛ هیچ قوه قضاییه مستقلی در این کشور وجود ندارد و افراد سایر ملیت‌ها معمولاً در چین با بدرفتاری مواجه می‌شوند.

این فعال اقتصادی ادامه داد: و مشکل دیگر مسائلی مانند جنگ سایبری را در بر می‌گیرد. می‌توان گفت اینها نقاطی است که چین می‌تواند از خود سازش نشان دهد. روشن است که وجود مذاکرات سنگین لازمه این اقدامات است اما به نظر من این تلاش برای رسیدن به یک سازش، منافع هر دو طرف را دربرمی‌گیرد چراکه جایگزین این راه، خوشایند نخواهد بود.

سوروس در ادامه اظهاراتش با اشاره به راه‌های رفع موانع در ارتباط بین چین و امریکا خاطرنشان کرد: تاکنون در مسائلی مانند سیاست‌های آب و هوایی طرفین راه‌هایی را برای رفع موانع طی کرده‌اند. چنین رفتار مشابهی در وقایع اقتصادی نیز باید شکل بگیرد.

وی توضیح داد: بدون این همکاری‌ها، خطری جدی درباره اتحاد سیاسی و نظامی وجود دارد که در آن صورت تهدید بروز جنگ جهانی سوم واقعی خواهد شد.

این در حالی است که پکن پیش از این نسبت به بروز جنگ جهانی سوم هشدار داده بود. دولت پکن اقدامات دخالت‌جویانه امریکا در امور دریایی چین جنوبی را عامل این جنگ احتمالی توصیف کرد.

هند یک کبوتر جاسوس را دستگیر کرد!

در بسیاری موارد شاهد رخنه و نفوذ جاسوس‌هایی از پاکستان در آن هستیم. منطقه جامو و کشمیر منطقه مورد مناقشه بین دو کشور است.

این نخستین بار نیست که یک پرنده در مناطق مورد مناقشه به عنوان جاسوس گرفته می‌شود. در مصر یک لک‌لک که زیر پرهایش یک وسیله عجیب وصل شده بود در سال ۲۰۰۶ گرفته شد. سال گذشته میلادی هم دولت چین شکم ۱۰ هزار کبوتر را از بیم حمل بمب توسط این پرنده‌گان مورد بررسی قرار داد.

به گزارش شبکه خبری بی.بی.سی، این کبوتر پس از آنکه یک پسر ۱۴ ساله آن را در یک منطقه در مرز پاکستان-هندوستان یافت به ظن جاسوسی گرفته شد. این کبوتر ظاهراً یک پیام مهر و موم شده به همراه داشت که به اردو نوشته شده بود. همچنین داخل این پیام یک شماره تلفن مخصوص پاکستان نیز بود.

سربازرس پولیس هندوستان به روزنامه تایمز آو ایندیا گفت: این یک نمونه منحصر به فرد است که ما یک کبوتر پاکستانی جاسوس را در هندوستان گرفتیم. این منطقه هم‌جوار با جامو است که تقریباً



پولیس هندوستان اعلام کرد یک کبوتر را گرفته که برای پاکستان جاسوسی می‌کرد.